

# Examining the Mediating Role of Moral Emotional Attribution Styles in Relationship Between Parental Meta-Emotional Styles with Shame and Guilt in Adolescents

Asaadi B<sup>1</sup>, \*Khayyer M<sup>2</sup>, Mehryar AH<sup>3</sup>, Javidi H<sup>4</sup>

## Author Address

1. PhD Student, Department of Educational Psychology, Marvdasht Branch, Islamic Azad University, Marvdasht, Iran;
  2. Professor, Department of Educational Psychology, Marvdasht Branch, Islamic Azad University, Marvdasht, Iran;
  3. Professor, Department of General Psychology, Marvdasht Branch, Islamic Azad University, Marvdasht, Iran;
  4. Assistant Professor, Department of General Psychology, Marvdasht Branch, Islamic Azad University, Marvdasht, Iran.
- \*Corresponding Author Email: [m.khayyer@yahoo.com](mailto:m.khayyer@yahoo.com)

Received: 2020 July 13; Accepted: 2020 September 12

## Abstract

**Background & Objectives:** The educational measures parents take for children's moral and emotional upbringing and their meta-emotional styles may play a significant role in developing and using children's moral emotions. Moral emotions have a major role in daily life; one key factor distinguishing people is emotions. Most researchers believe that moral emotions initiate from social communication and are connected to evaluating your and others' behavior, possibly affecting our interactions with others. The researches show that emotions, especially moral emotions, are effective in forming moral behaviors. So, the current study investigates the mediating role of adolescents' moral and emotional attribution styles in the relationship between the meta-emotional styles of parents and moral emotions (shame and guilt) in adolescents.

**Methods:** The current research method was descriptive correlational performed using structural equation modeling. The statistical population included Shiraz high school 10<sup>th</sup>- and 11<sup>th</sup>- grade students in 2017–2018. They were 422 students (240 boys and 182 girls) of the 10<sup>th</sup> (206 individuals) and 11<sup>th</sup> (216 individuals) grades selected in Shiraz High School. The sampling method was multi-stage cluster sampling. For this purpose, two districts were chosen randomly among the four educational districts of Shiraz. Then, two schools (one for girls and one for boys) and two classes (one 10<sup>th</sup> grade and one 11<sup>th</sup> grade) were randomly selected from each district. The inclusion criteria were to be in the 10<sup>th</sup> and 11<sup>th</sup> grades. The exclusion criterion was incomplete completion of the research questionnaires. The study data were gathered via the Parental Meta-Emotional View Questionnaire (Evelynekehe, 2006), Test of Self-Conscious Affect-3 (TOSCA-3) (Tangney et al., 2000), and Moral Emotional Attribution Styles (Amiri, 2012). The obtained data were analyzed by descriptive and inferential statistics. At the descriptive level, the mean and standard deviation and the inferential level, the Pearson correlation coefficient, and the path analysis and structural equation modeling were used in SPSS 21 and AMOS 21 software. The significance level for all statistical tests was  $\alpha=0.05$ .

**Results:** Findings showed that parental emotional guidance was a direct and significant predictor of guilt ( $p=0.038$ ,  $\beta=0.11$ ) and an inverse and significant predictor of shame ( $p=0.045$ ,  $\beta=-0.09$ ). Emotional awareness did not significantly predict shame ( $p=0.110$ ,  $\beta=-0.016$ ) and guilt ( $p=0.060$ ,  $\beta=0.038$ ). Positive emotional attribution mediated between emotional guidance with shame ( $p=0.040$ ,  $\beta=0.03$ ) and guilt ( $p=0.030$ ,  $\beta=0.09$ ). Positive emotional attribution mediated between emotional awareness with shame ( $p=0.013$ ,  $\beta=0.053$ ) and guilt ( $p=0.002$ ,  $\beta=0.07$ ). Negative emotional attribution mediated between emotional guidance with shame ( $p=0.050$ ,  $\beta=0.04$ ) and guilt ( $p=0.010$ ,  $\beta=0.03$ ). Negative emotional attribution mediated between emotional awareness and shame ( $p=0.001$ ,  $\beta=0.10$ ). Based on goodness of fit indices, the final research model fit relatively well with the data ( $\chi^2/df=2.331$ , AGFI=0.87, GFI=0.89, CFI=0.90, RMSEA=0.052).

**Conclusion:** Based on the research's findings, positive emotional attribution mediates between parents' meta emotional styles (emotional guidance and emotional awareness) and adolescents' shame and guilt. Also, negative emotional attribution plays a mediating role between the dimension of parents' emotional guidance and teenagers' emotions of shame and guilt, as well as between the dimension of emotional awareness and teenagers' emotion of shame.

**Keywords:** Shame and guilt, Parental meta-emotional styles, Moral emotional attribution styles.

## بررسی نقش واسطه‌ای سبک‌های اسنادی هیجانی اخلاقی در رابطه بین سبک‌های فراهیجانی والدین و هیجانات اخلاقی شرم و گناه در نوجوانان

بهداد اسعدی<sup>۱</sup>، \*محمد خیر<sup>۲</sup>، امیرهوشنگ مهریار<sup>۳</sup>، حجت‌اله جاویدی<sup>۴</sup>

### توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی دکتری، گروه روان‌شناسی تربیتی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران؛

۲. استاد، گروه روان‌شناسی تربیتی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران؛

۳. استاد، گروه روان‌شناسی عمومی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران؛

۴. استادیار، گروه روان‌شناسی عمومی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.

\*ارایانه نویسنده مسئول: [m\\_khayver@yahoo.com](mailto:m_khayver@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۲۳ تیر ۱۳۹۹؛ تاریخ پذیرش: ۲۲ شهریور ۱۳۹۹

### چکیده

**زمینه و هدف:** اقدامات تربیتی و سبک‌های فراهیجانی والدین در ایجاد هیجانات اخلاقی فرزندان نقش بسزایی دارد. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای سبک‌های اسنادی هیجانی اخلاقی در رابطه بین سبک‌های فراهیجانی والدین و هیجانات اخلاقی شرم و گناه در نوجوانان انجام شد.

**روش بررسی:** روش پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی بود که با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری انجام شد. جامعه آماری را تمام دانش‌آموزان پایه‌های دهم و یازدهم متوسطه دوم شهر شیراز در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ تشکیل دادند که از این میان ۴۲۲ دانش‌آموز (۲۴۰ پسر و ۱۸۲ دختر) با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزارها شامل پرسش‌نامه دیدگاه فراهیجانی والدین (ایولینی‌کو، ۲۰۰۶)، آزمون عواطف خودآگاه-۳ (تانجی و همکاران، ۲۰۰۰) و سبک‌های اسناد هیجانی اخلاقی (امیری، ۱۳۹۱) بود. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و روش مدل‌یابی معادلات ساختاری با نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۱ و AMOS نسخه ۲۱ تحلیل شد. سطح معناداری برای تمام آزمون‌های آماری  $\alpha=0/05$  بود.

**یافته‌ها:** هدایت‌گری هیجانی والدین پیش‌بین مستقیم و معنادار گناه ( $\beta=0/11, p=0/028$ ) و پیش‌بین معکوس و معنادار شرم ( $\beta=-0/09, p=0/045$ ) بود. آگاهی هیجانی پیش‌بین معنادار شرم و گناه نبود ( $p>0/05$ ). اسناد هیجانی مثبت نقش واسطه‌ای بین هدایت‌گری هیجانی با شرم ( $\beta=0/03, p=0/040$ ) و گناه ( $\beta=0/09, p=0/030$ ) و نقش واسطه‌ای بین آگاهی هیجانی با شرم ( $\beta=0/053, p=0/013$ ) و گناه ( $\beta=0/07, p=0/002$ ) داشت. اسناد هیجانی منفی نقش واسطه‌ای بین هدایت‌گری هیجانی با شرم ( $\beta=0/04, p=0/050$ ) و گناه ( $\beta=0/03, p=0/010$ ) و نقش واسطه‌ای بین آگاهی هیجانی با شرم داشت ( $\beta=0/10, p=0/001$ ). براساس شاخص‌های نکویی برازش، مدل نهایی پژوهش برازش نسبتاً مناسب با داده‌ها داشت ( $\chi^2/df=2/331, AGFI=0/87, GFI=0/89, CFI=0/90, RMSEA=0/052$ ).

**نتیجه‌گیری:** اسناد هیجانی مثبت بین سبک‌های فراهیجانی والدین (هدایت‌گری هیجانی و آگاهی هیجانی) با هیجانات شرم و گناه نوجوانان و همچنین اسناد هیجانی منفی بین بُعد هدایت‌گری هیجانی والدین با هیجانات شرم و گناه نوجوانان و نیز بین بُعد آگاهی هیجانی با هیجان شرم نوجوانان، نقش واسطه‌ای دارد. **کلیدواژه‌ها:** شرم و گناه، سبک‌های فراهیجانی والدین، سبک‌های اسنادی هیجانی اخلاقی.

هیجان‌های شخصی خود؛ ب. آگاهی والدین از هیجان‌های کودکانشان و پذیرش آن‌ها؛ ج. رفتار فرزندپروری که به هیجان‌های کودکانشان ارزش می‌دهد و نیز آن‌ها را هدایت می‌کند (۹).

آگاهی هیجانی والدین و هدایت‌گری هیجان‌ها، دو متغیر اساسی مطالعات در زمینه سبک‌های فراهیجانی والدین است. آگاهی هیجانی بیانگر آگاهی والدین از هیجان‌های خود و فرزندانشان و توانایی آن‌ها در به‌کاربردن و به بحث گذاشتن ابعاد هیجان‌ها در خانواده است. هدایت‌گری، سطحی از مداخله والدین را با استفاده از دستورهای مستقیم و صحبت‌کردن با فرزندان درباره هیجان‌ها بیان می‌کند. همچنین نگرانی درباره هیجان‌ها، احترام به آن‌ها و پذیرش تجربیات هیجانی فرزندانشان را در بر می‌گیرد (۱۰).

سبک برخورد والدین با هیجان‌های خود و فرزندانشان، با ترکیب دو طیف هدایت‌گری بالا و پایین و آگاهی بالا و پایین چهار سبک فراهیجانی بی‌توجه<sup>۶</sup>، ردکننده<sup>۷</sup>، تأییدگر<sup>۸</sup> و هدایت‌گر<sup>۹</sup> را به‌وجود آورد. توجه به مؤلفه‌های سبک‌های فراهیجانی والدین و اینکه چگونه می‌توانند بر شکل‌گیری، افزایش، کاهش و ابراز هیجان‌های اخلاقی مثبت و منفی در نوجوانان تأثیرگذار باشند، بحث بسیار مهمی است که بررسی آن ما را در پاسخ‌دادن به این سؤال که «چرا برخی نوجوانان بیش‌ازحد هیجانی شده یا دچار گناه و شرم می‌شوند» یاری می‌کند؛ مثلاً والدینی که هیجان‌های منفی خود را با سطح بیشتری ابراز می‌کنند، فرزندان با پذیرش هیجانی و خودتنظیمی هیجانی کمتری خواهند داشت (۱۱).

نتایج تحقیقی بر دانش‌آموزان دختر و پسر دوره دوم متوسطه شهر شیراز نشان داد، متغیر هدایت‌گری بر شرم و گناه نوجوانان تأثیر مستقیم دارد (۱۲)؛ البته فرزندان والدینی که از روش‌های تربیتی قربانی‌محور استفاده می‌کنند، بیشتر مستعد تجربه گناه هستند (۱۳).

کوجانسکا معتقد است، والدینی که به‌طور پیوسته درخصوص مفاهیم مرتبط با هیجان در خانه بحث می‌کنند، در اواسط کودکی فرزندانشان می‌توانند سطح بیشتری از رشد وجدان (گناه) را در آن‌ها ببینند (۱۴). هیجان‌های اجتماعی غیرحمایتی والدین پیش‌بینی‌کننده مثبت و معناداری برای شرم در فرزندان است. پژوهش‌های متعددی تأثیر زیاد فلسفه فراهیجانی والدین بر انواع هیجان‌ها و کارکرد قوی آن بر موقعیت‌های هیجانی را بیان کرده است (۱۵).

از طرف دیگر به گفته محققان اعمال اخلاقی در افراد به‌طور دقیق توسط اسناد هیجانی اخلاقی ارزیابی می‌شود (۱۵). اسناد<sup>۱</sup>، فرایندی است که افراد به‌کار می‌برند تا چرایی اتفاقات اطرافشان را دریابند. اسناد تعیین‌کننده علل رفتارهای اشخاص است. اسناد هیجانی اخلاقی به‌صورت مثبت، منفی و ترکیبی وجود دارد (۱۶). اسناد هیجانی اخلاقی مثبت یعنی فرد به‌دلیل هنجارشکنی موفقیت‌آمیزی که داشته است، خوشحال و راضی است. اسناد هیجانی اخلاقی منفی یعنی فرد به‌سبب هنجارشکنی که موفقیت‌آمیز بوده است، ناراحت و پشیمان است. اسناد هیجانی اخلاقی ترکیبی یعنی فرد به‌دلیل هنجارشکنی

میزان پایبندی فرد به رفتار اخلاقی<sup>۱</sup> یکی از عوامل مؤثر بر سلامت روان در انسان است. هیجان‌های اخلاقی<sup>۲</sup> در ایجاد رفتار نقش اساسی دارند و منبع اولیه انگیزش اخلاقی در نظر گرفته می‌شوند. هیجان می‌تواند جرقه‌ای باشد که منجر به عمل اخلاقی شود (۱). هیجان‌های اخلاقی از عوامل تمایز افراد از یکدیگر و عامل مؤثری بر نحوه تعامل شخص با دیگران است. هیجان‌ها از یک بُعد، به هیجان‌های خودآگاه و ناخودآگاه تقسیم‌بندی می‌شود؛ هیجان‌های خودآگاه نظیر امید، شرم، گناه و غرور و هیجان‌های ناخودآگاه نظیر ترس، خشم و اضطراب، و از بُعد دیگر هیجان‌های فردی و اجتماعی-اخلاقی (۲). اکثر محققان معتقد هستند، هیجان‌های اخلاقی از روابط اجتماعی آغاز می‌شود و به ارزیابی از رفتارهای خود و دیگران مربوط است (۳). از جمله هیجان‌های اخلاقی خودآگاه، دو هیجان شرم<sup>۳</sup> و گناه<sup>۴</sup> هستند که از هیجان‌های اصلی به‌شمار می‌روند و در سطوح فردی و ارتباطات اجتماعی کارکرد مهمی دارند.

این هیجان‌ها در شمار درونی‌ترین و خصوصی‌ترین تجارب هیجانی خودآگاه قرار می‌گیرند؛ زیرا در این هیجان‌ها «خود» درگیر ارزیابی می‌شود (۴). گناه و شرم به‌طور عمده پس از خطای اخلاقی روی می‌دهند. احساس گناه، هیجانی است که پس از تجربه خطای اخلاقی یا پس از آسیب‌رساندن فرد به دیگری با رفتاری خاص، در فرد به‌وجود می‌آید. این افراد ادراک بدی از رفتار خود دارند؛ بنابراین نوعی گرایش برای جبران و کم‌کردن خسارت‌های ایجادشده در آن‌ها به‌وجود می‌آید (۵). شرم نیز هیجان اخلاقی دیگری است که پس از خطای اخلاقی و بعد از بروز ناشایستگی‌هایی در فرد ایجاد می‌شود؛ شرم فرد را دچار احساس بی‌کفایتی، بدبودن و حقارت درقبال دیگران می‌کند (۶). اکثر پژوهش‌های انجام‌شده درباره شرم، به پیامدها و آثار منفی آن مانند آسیب‌های روانی و خشم، خودسرزنی و شکایات جسمانی اشاره کرده‌اند (۵،۷). اعتماد و همکاری‌ها اظهار کردند، در شرم آثار افسردگی، اضطراب و مصرف الکل دیده می‌شود (۷).

شناخت هیجان‌ها و روش‌های ابراز آن، قابل یادگیری و آموزش است. باتوجه به نکته مذکور، والدین نقش بسزایی در این مقوله بر عهده دارند. مبحث مهمی که در رابطه با هیجان‌های والدین مطرح می‌شود، فلسفه فراهیجانی والدین<sup>۵</sup> است که اولین بار توسط گاتمن و همکارانش بیان شد. فلسفه فراهیجانی مجموعه‌ای سازمان‌یافته از احساسات و افکار والدین درباره هیجان‌های خود و کودکانشان است. نحوه تعامل والدین با کودکان خود در موقعیت‌های هیجانی، تأثیر بسزایی بر روابط بین‌فردی و درون‌فردی کودک تا دوره نوجوانی و بزرگسالی دارد. توانایی والدین در آگاه‌شدن، پذیرش و هدایت هیجان‌ها موجب ایجاد این مفهوم شد (۸).

فلسفه فراهیجانی به‌عنوان نگرش‌های والدین درباره هیجان بیان شده است و به این اشاره می‌کند که فرد چه احساسی درباره هیجان‌هاش دارد. تأکید این موضوع مهم بر این مطالب است: الف. آگاهی والدین از

6. Careless  
7. Rejector  
8. Confirmer  
9. Navigator  
10. Attribution

1. Moral behavior  
2. Moral emotions  
3. Shame  
4. Guilt  
5. Parental meta-emotion philosophy

موفقیت‌آمیزش، خوشحال اما پشیمان است (۱۷). استدلال اخلاقی به‌طور کلی نتیجه استدلال منطقی نیست؛ بلکه عوامل هیجانی و شخصیتی نیز در آن مؤثر است. استدلال اخلاقی افراد می‌تواند براساس نوع سناریوهای اخلاقی متفاوت باشد (۱۸). پژوهش‌ها بیان کرد، کودکان پرخاشگر اسناد هیجانی اخلاقی بیشتری را به قربانی‌کننده نسبت می‌دهند؛ اما نوجوانان اسناد هیجانی اخلاقی مثبت‌تری را به اشتباه‌کننده اخلاقی نسبت می‌دهند. این نتایج اهمیت نحوه اسناددهی دانش‌آموزان در تجربه هیجان‌های خودآگاه را تأیید می‌کند (۱۹). تحقیقات نشان داد، سبک اسنادی منفی به‌صورت مستقیم و سبک اسنادی مثبت، به‌صورت معکوس، شرم را پیش‌بینی می‌کند (۱۵). همچنین دانش‌آموزان دختر بیشتر از اسناد مثبت و پسران بیشتر از اسناد منفی استفاده می‌کنند و این تفاوت بین دختران و پسران معنادار است (۱).

باتوجه به تحقیقات انجام‌شده، ناتوانی والدین در شناخت و ابراز هیجان‌های خود و ناتوانی در راستای هدایت‌گری و آگاهی‌دهندگی هیجان‌ها، شرم و گناه را در فرزندان به‌وجود می‌آورد و منجر به ناتوانی در شناخت و بروز هیجان‌ناشان و ایجاد برخی مشکلات رفتاری در آنان می‌شود (۱۲). باوجود آنکه هیجان‌های اخلاقی نقش مهمی در شکل‌گیری رفتار اخلاقی نوجوانان دارد، تحقیقات اندکی در کشور ما به بررسی عوامل مؤثر بر هیجان‌های اخلاقی نوجوانان پرداخته است. باتوجه به آنچه گفته شد، هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش واسطه‌ای سبک‌های اسنادی هیجانی اخلاقی نوجوانان در رابطه بین سبک‌های فراهیجانی والدین و هیجان‌های اخلاقی شرم و گناه در آن‌ها بود.

## ۲ روش‌بررسی

در پژوهش حاضر از روش همبستگی استفاده شد که در آن، بررسی ارتباط متغیرها با روش مدل‌یابی معادلات ساختاری صورت گرفت. جامعه آماری این پژوهش را دانش‌آموزان دختر و پسر پایه‌های دهم و یازدهم دبیرستان‌های شهر شیراز در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ تشکیل دادند. به‌منظور تعیین حجم نمونه، منطبق با نظر کلاین، تعداد گویه‌ها ملاک قرار گرفت که به‌ازای هر گویه، پنج نفر انتخاب شد (۲۰). بر این اساس، نمونه پژوهش ۴۲۲ دانش‌آموز دوره دوم متوسطه بودند که به‌روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. بدین منظور ابتدا از بین چهار ناحیه آموزش و پرورش شیراز دو ناحیه به‌تصادف در نظر گرفته شد. سپس از هر ناحیه دو مدرسه (یک دخترانه و یک پسرانه) و از هر مدرسه به‌طور تصادفی دو کلاس (یک پایه دهم و یک پایه یازدهم) انتخاب شد. ملاک ورود آزمودنی‌ها به پژوهش این بود که در پایه‌های دهم و یازدهم باشند. ملاک خروج نیز ناقص تکمیل‌کردن پرسش‌نامه‌های پژوهش بود.

ازجمله اصول اخلاقی که در اجرای پژوهش رعایت شد، این بود که شرکت در پژوهش آزادانه و به اختیار آزمودنی‌ها بود و هیچ‌گونه اجباری از جانب محقق صورت نگرفت؛ علاوه‌براین درخصوص محرمانه‌بودن اطلاعات تکمیل‌شده آزمودنی‌ها اطمینان کافی داده شد.

برای جمع‌آوری داده‌ها ابزارهای زیر به‌کار رفت.

– پرسش‌نامه دیدگاه فراهیجانی والدین<sup>۱</sup>: این پرسش‌نامه توسط ایولینی‌کو<sup>۲</sup> در سال ۲۰۰۶ ساخته شد (به‌نقل از ۹). فرم اصلی آن دارای سی گویه است که برای استفاده در فرهنگ ایرانی توسط پارسایی و فولادچنگ ترجمه و روا و پایا شد و سه سؤال آن حذف شد و به ۲۷ گویه کاهش یافت؛ هیجده گویه مربوط به هدایت‌گری هیجانی و نه گویه مربوط به آگاهی هیجانی است (۲۱). در پرسش‌نامه مذکور مادران افکار و احساسات خود را درباره خشم، غمگینی و اضطراب خود و فرزندان‌شان بیان می‌کنند. پاسخ‌ها براساس مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت در دامنه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) نمره‌گذاری می‌شود. نمره بیشتر نشان‌دهنده وجود سطح بیشتری از هدایت‌گری هیجانی و آگاهی هیجانی است (به‌نقل از ۹). روایی پرسش‌نامه با استفاده از تحلیل عاملی بیانگر وجود دو عامل آگاهی هیجانی و هدایت‌گری هیجانی بود. همچنین ضریب آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس هدایت‌گری هیجانی ۰/۹۳ و برای خرده‌مقیاس آگاهی هیجانی ۰/۸۵ و برای کل مقیاس ۰/۷۹ گزارش شد (به‌نقل از ۹). در ایران در پژوهش پارسایی و فولادچنگ به‌منظور پایایی نسخه فارسی پرسش‌نامه، نتایج ضریب آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس هدایت‌گری هیجانی ۰/۸۶، برای خرده‌مقیاس آگاهی هیجانی ۰/۸۱ و برای کل پرسش‌نامه ۰/۸۸ به‌دست آمد (۲۱).

– آزمون عواطف خودآگاه<sup>۳</sup>: این مقیاس را تانجی و همکاران در سال ۲۰۰۰ ساختند و شامل شانزده گویه سناریومحور است (۲۲). سناریوهای این نسخه دربرگیرنده ماده‌هایی است که در این پژوهش از گویه‌های مستعدبودن به صفت شرم (شانزده ماده) و مستعدبودن به صفت گناه (شانزده ماده) استفاده شد. هر ماده بر مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت از احتمال ندارد (۱) تا قویاً احتمال دارد (۵) درجه‌بندی می‌شود. کسب نمره بیشتر در هر زیرمقیاس نشان‌دهنده سطح بیشتری از شرم و گناه در آزمودنی است (۲۲). تانجی و همکاران همسانی درونی مقیاس را بین ۰/۷۶ تا ۰/۸۸ برای زیرمقیاس شرم و ۰/۷۰ تا ۰/۸۳ برای زیرمقیاس گناه به‌دست آوردند (۲۲). ویژگی‌های روان‌سنجی این ابزار در ایران در پژوهش روشن‌چسلی و همکاران محاسبه شد و پایایی آلفای کرونباخ و بازآزمایی به فاصله یک هفته برای شرم به‌ترتیب ۰/۷۸ و ۰/۶۴ و برای گناه به‌ترتیب ۰/۶۴ و ۰/۳۹ به‌دست آمد (۱۱).

– سبک‌های اسناد هیجانی اخلاقی<sup>۴</sup>: این پرسش‌نامه توسط امیری در سال ۱۳۹۱ ساخته شد (۱۹). برای اندازه‌گیری اسناد هیجانی اخلاقی، یک داستان درباره تقلب به آزمودنی‌ها داده می‌شود و از آن‌ها خواسته می‌شود چندین سؤال را که مبین سبک‌های اسناد هیجانی اخلاقی (مثبت، منفی، ترکیبی) است، پاسخ دهند (۱). دو گزینه پرسش‌نامه مبین اسناد هیجانی مثبت، دو گزینه مبین اسناد هیجانی منفی و دو گزینه مبین اسناد هیجانی ترکیبی است. این مقیاس از خیلی کم (۱) تا خیلی زیاد (۵) نمره‌گذاری می‌شود (۱۹). درخصوص روایی این ابزار، امیری بیان کرد، دو نفر درجه‌بندی‌کننده مستقل ۲۰ درصد از دستورالعمل‌ها را درجه‌بندی می‌کنند که توافق بین درجه‌بندی‌کنندگان

3. Test of Self-Conscious Affect-3 (TOSCA-3)

4. Moral Emotional Attribution Styles

1. Parental Meta-Emotional View Questionnaire

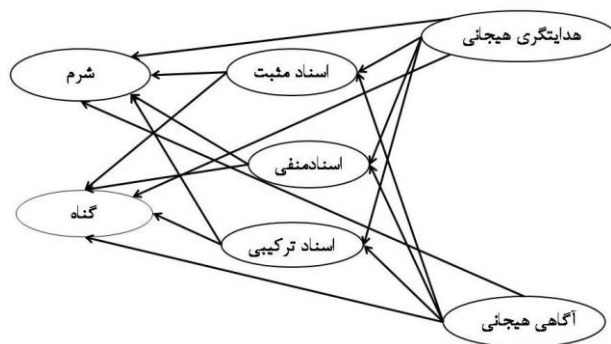
2. Evelynekehe

۰/۹۱ است (۱۹).

(RMSEA) بررسی شد. چنانچه شاخص مجذور خی بر درجه آزادی کوچکتر از ۲/۵ باشد، مقدار RMSEA کوچکتر و به صفر نزدیکتر است. همچنین اگر شاخصهای برازش GFI، CFI و AGFI به یک نزدیکتر باشد، نشان می‌دهد که الگوی پیشنهادی تأیید شده است (۲۰).

مدل مفهومی پژوهش در شکل ۱ آمده است. سبک‌های فراهیجانی والدین به‌عنوان متغیر مستقل، سبک‌های اسنادی هیجانی اخلاقی نوجوانان به‌عنوان متغیر واسطه‌ای و هیجان‌های اخلاقی شرم و گناه نوجوانان به‌عنوان متغیر وابسته ارزیابی شدند.

داده‌های جمع‌آوری شده در دو سطح آمار توصیفی (با استفاده از میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون، آزمون کولموگروف اسمیرنوف و مدل‌یابی معادلات ساختاری) در نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۱ و AMOS نسخه ۲۱ تحلیل شد. به‌منظور بررسی نقش واسطه‌ای، آزمون بوت‌استروپ به‌کار رفت. سطح معناداری برای تمام آزمون‌های آماری  $\alpha=0/05$  بود. برازندگی الگوی پیشنهادی براساس شاخص مجذور خی<sup>۱</sup>، شاخص برازندگی تطبیقی<sup>۲</sup> (CFI)، شاخص نکویی برازش<sup>۳</sup> (GFI)، شاخص نکویی برازش تعدیل‌شده<sup>۴</sup> (AGFI) و ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب<sup>۵</sup>



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

پیش از اجرای آزمون ضریب همبستگی پیرسون، نرمال بودن توزیع داده‌ها با آزمون کولموگروف اسمیرنوف بررسی شد که نتایج بیانگر نرمال بودن توزیع داده‌ها بود ( $p>0/05$ ).

جدول ۱ نتایج ضریب همبستگی بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، گناه با هدایت‌گری هیجانی و آگاهی هیجانی رابطه مستقیم و معنادار و شرم با هدایت‌گری هیجانی و آگاهی هیجانی رابطه معکوس و معنادار داشت ( $p<0/001$ )؛ همچنین گناه با سبک اسنادی مثبت رابطه مستقیم و معنادار و شرم با سبک اسنادی مثبت رابطه مستقیم و معنادار و با سبک اسنادی منفی رابطه معکوس و معنادار داشت ( $p<0/001$ ). بین هدایت‌گری هیجانی و آگاهی هیجانی با سبک‌های اسنادی اخلاقی نیز رابطه معنادار وجود داشت ( $p<0/001$ ).

### ۳ یافته‌ها

میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۱۶/۳۸ سال با انحراف معیار ۱/۰۸ سال بود. از تعداد ۴۲۲ نفر گروه نمونه، ۲۰۶ نفر (۴۹ درصد) دانش‌آموز پایه دهم و ۲۱۶ نفر (۵۱ درصد) دانش‌آموز پایه یازدهم بودند. همچنین گروه نمونه شامل ۲۴۰ نفر (۵۷ درصد) پسر و ۱۸۲ نفر (۴۳ درصد) دختر بود.

میانگین و انحراف معیار متغیرهای هدایت‌گری هیجانی و آگاهی هیجانی به ترتیب  $81/35 \pm 7/32$  و  $35/40 \pm 8/36$  به دست آمد. میانگین و انحراف معیار متغیرهای سبک اسنادی مثبت، سبک اسنادی منفی و سبک اسنادی ترکیبی به ترتیب برابر با  $5/89 \pm 2/75$ ،  $5/62 \pm 2/71$  و  $6/63 \pm 2/23$  بود. میانگین و انحراف متغیرهای شرم و گناه نیز به ترتیب برابر با  $41/59 \pm 10/76$  و  $59/94 \pm 9/9$  به دست آمد.

جدول ۱. ماتریس ضریب همبستگی بین متغیرهای پژوهش (n=۴۲۲)

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱. هدایت‌گری هیجانی	—						
۲. آگاهی هیجانی	۰/۴۰*	—					
۳. سبک اسنادی مثبت	۰/۲۱*	۰/۳۲*	—				
۴. سبک اسنادی منفی	۰/۲۷*	۰/۳۵*	۰/۶۸*	—			
۵. سبک اسنادی ترکیبی	۰/۰۰۷	۰/۱۲*	۰/۰۰۶	۰/۱۳*	—		
۶. شرم	۰/۱۷*	۰/۱۵*	۰/۲۶*	۰/۲۷*	۰/۰۵	—	
۷. گناه	۰/۱۷*	۰/۱۵*	۰/۲۰*	۰/۱۱	۰/۰۷۶	۰/۰۸۸	—

۴. Adjusted goodness of fit index

۵. Root Mean Square Error of Approximation

۱.  $\chi^2$

۲. Comparative fit index

۳. Goodness of fit index

جدول ۲ میزان اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل هر متغیر را بر هیجان‌ات اخلاقی شرم و گناه نشان می‌دهد. براساس این جدول و مدل نهایی پژوهش (شکل ۲) مشاهده می‌شود که هدایت‌گری هیجانی پیش‌بین مستقیم و معنادار گناه ( $\beta=0/11, p=0/038$ ) و اسناد منفی ( $\beta=0/15, p=0/003$ ) و پیش‌بین معکوس و معنادار شرم ( $\beta=-0/09, p=0/045$ ) و اسناد مثبت ( $\beta=-0/10, p=0/049$ ) بود. آگاهی هیجانی نیز اسناد منفی ( $\beta=0/29, p=0/001$ ) و اسناد ترکیبی ( $\beta=0/14, p=0/005$ ) را به‌صورت مستقیم و معنادار و اسناد مثبت را به‌طور معکوس و معنادار ( $\beta=-0/28, p=0/001$ ) پیش‌بینی کرد.

جدول ۲. اثرات غیرمستقیم، مستقیم و کلی سبک‌های فراهیجانی والدین بر شرم و گناه با واسطه‌گری سبک‌های اسناد اخلاقی

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	اثر مستقیم	خطای معیار	مقدار احتمال	اثر غیرمستقیم	اثر کل
هدایت‌گری هیجانی	اسناد مثبت	-0/10	0/20	0/49	-	-0/10
	اسناد منفی	0/15	0/21	0/03	-	0/15
	شرم	-0/09	0/77	0/45	-0/35	-0/13
	گناه	0/11	0/74	0/38	0/28	0/13
آگاهی هیجانی	اسناد مثبت	-0/28	0/25	0/01	-	-0/28
	اسناد منفی	0/29	0/25	0/01	-	0/29
	اسناد ترکیبی	0/14	0/23	0/05	-	0/14
	شرم	-0/16	0/93	0/10	-0/87	-0/10
اسناد مثبت	گناه	-0/22	0/17	0/01	-	-0/22
	شرم	-0/12	0/18	0/03	-	-0/12
اسناد منفی	گناه	0/12	0/17	0/01	-	0/22
	شرم	0/13	0/18	0/02	-	-0/13
اسناد ترکیبی	گناه	0/18	0/19	0/10	-	0/75
	شرم	0/38	0/90	0/60	0/57	0/10

جدول ۳. اثر غیرمستقیم سبک‌های فراهیجانی والدین بر هیجان‌ات اخلاقی شرم و گناه با واسطه‌گری سبک‌های اسنادی هیجانی اخلاقی با استفاده از آزمون بوت‌استروپ ( $n=422$ )

متغیرها	اثرات غیرمستقیم			
	وابسته	$\beta$	خطا	مقدار احتمال
هدایت‌گری هیجانی	اسناد مثبت	0/03	0/12	0/40
هدایت‌گری هیجانی	اسناد مثبت	0/09	0/02	0/30
هدایت‌گری هیجانی	اسناد منفی	0/04	0/03	0/50
هدایت‌گری هیجانی	اسناد منفی	0/03	0/04	0/10
آگاهی هیجانی	اسناد مثبت	0/53	0/33	0/13
آگاهی هیجانی	اسناد مثبت	0/07	0/28	0/02
آگاهی هیجانی	اسناد منفی	0/10	0/03	0/01

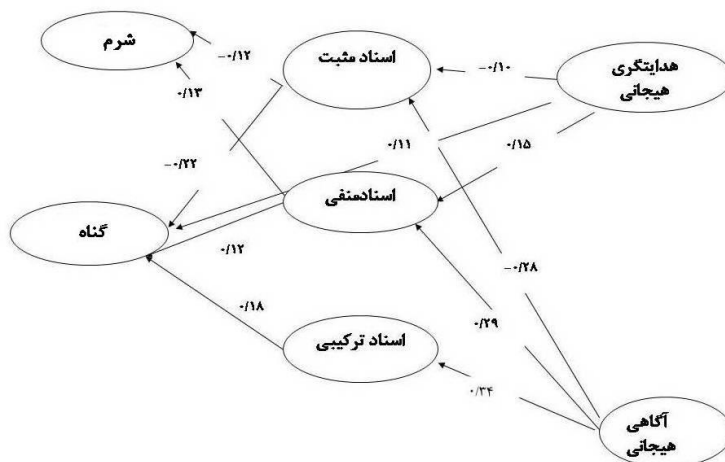
براساس نتایج جدول ۳، سبک‌های اسنادی مثبت و منفی توانستند نقش واسطه‌ای بین هدایت‌گری هیجانی و آگاهی هیجانی با هر دو هیجان اخلاقی شرم و گناه را ایفا کنند ( $p \leq 0/05$ ).

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل نهایی پژوهش

شاخص‌ها	$\chi^2/df$	CFI	IFI	GFI	AGFI	RMSEA
مقادیر	2/331	0/90	0/88	0/89	0/87	0/052

باتوجه به جدول ۴، نسبت  $\chi^2/df$  دو به درجه آزادی برابر با ۲/۳۳۱ و میزان RMSEA نزدیک به صفر بود. همچنین، مقادیر CFI و GFI

نزدیک به یک به دست آمد؛ در نتیجه، می‌توان بیان کرد که مدل ارائه شده در شکل ۲ مدل نهایی برازش شده با ضرایب استاندارد ارائه شده است. برازش نسبتاً خوبی داشت.



شکل ۲. مدل نهایی برازش شده با ضرایب استاندارد

#### ۴ بحث

استفاده می‌کنند. به همین دلیل نگرانی فرزندان را درباره آن هیجانانگیز، احترام به آن و پذیرش تجربیات هیجانی افزایش می‌دهند و این‌گونه باعث به وجود آمدن هیجانانگیز و رفتارهای اشتباه در فرزندان می‌شوند (۹). می‌توان گفت، پذیرش و هدایت عواطف و هیجان‌ها توسط والدین، فرزندان را در مدیریت هیجان‌ها و برخورد مناسب با دیگران و احساس شایستگی، یاری می‌کند (۱۹). والدینی که بعد آگاهی هیجانی در سبک فراهیجانی دارند، یعنی از هیجانانگیز خود، آگاه هستند، آن‌ها را به موقع ابراز می‌کنند، توانایی آگاهی دادن به فرزندان در زمینه هیجانانگیز دارند، هیجانانگیز فرزندان را پذیرا هستند و از آن‌ها حمایت می‌کنند، در عین حال آگاهی لازم درباره شیوه برخورد صحیح با هیجانانگیز را در اختیار آن‌ها می‌گذارند، بر هیجانانگیز فرزندان تأثیر مثبت دارند و مشکلات رفتاری کمتری در فرزندان آن‌ها دیده می‌شود. در تبیین ارتباطنداشتن بعد آگاهی هیجانی با هیجانانگیز اخلاقی شرم و گناه نوجوانان می‌توان چنین بیان کرد که به چگونگی آموزش والدین برای شناخت هیجانانگیز و ارتقای ویژگی‌های اخلاقی فرزندان توجه اندکی شده است و والدین بیشتر به دنبال تعیین حد و مرزها و محدودیت‌ها برای فرزندان هستند. عواملی همچون ناهماهنگی زناشویی، آسیب روانی والدین (به خصوص اضطراب و افسردگی) و شرایط نامناسب اجتماعی اقتصادی، مانع از این می‌شود که والدین مهارت‌های مذکور را درک کرده و از آن‌ها استفاده کنند. برخی از رفتارهای والدین با همسر یا فرزندان خود نه تنها تحول اخلاق را ارتقا نمی‌دهد، بلکه آن را با موانع جدی مواجه می‌کند. کودک‌آزاری و تعارض‌های زناشویی از جمله موضوعاتی است که با ایجاد پرخاشگری و رفتار ضداجتماعی در کودکان، همبستگی دارد (۹). نتایج به دست آمده از بررسی رابطه اسناد هیجانی اخلاقی با هیجانانگیز شرم و گناه نشان داد، اسناد هیجانی اخلاقی مثبت با شرم رابطه منفی و معنادار و با گناه رابطه مثبت و معنادار داشت. این نتایج با پژوهش امیری همخوان است. او دریافت، نحوه اسناددهی دانش‌آموزان در تجربه هیجان‌های خودآگاه آنان بسیار مؤثر است (۱۹)؛ اما در این

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای سبک‌های اسنادی هیجانی اخلاقی در رابطه بین سبک‌های فراهیجانی والدین و هیجان‌های اخلاقی شرم و گناه در نوجوانان بود. یافته‌ها نشان داد، هدایتگری هیجانی پیش‌بین مثبت و معنادار گناه و پیش‌بین منفی و معنادار شرم بود. علاوه بر این، آگاهی هیجانی به طور مستقیم پیش‌بین معنادار هیجانانگیز اخلاقی شرم و گناه نوجوانان نبود. این یافته با نتایج تحقیق شیخ‌الاسلامی و ترکمن ملایری همسوست. نتایج پژوهش آن‌ها بیانگر آن بود که متغیر هدایتگری والدین اثر مستقیم بر گرایش به شرم و گناه فرزندان داشت (۱۰). نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش هون و همکاران نیز همسوست. این محققان تأثیرات کارکردهای مربوط به فلسفه فراهیجانی والدین برای انواع هیجانانگیز و نیز اثر قوی آن بر موقعیت‌های هیجانی را نشان دادند (۱۶). امیری بیان کرد، والدینی که هیجانانگیز منفی خود را با سطح بیشتری ابراز می‌کنند، فرزندان با پذیرش هیجانی و خودتنظیمی هیجانی کمتر خواهند داشت (۱۹).

در تبیین یافته‌های پژوهش می‌توان بیان کرد، والدینی نیز که خطا و شکست فرزندان خود را با محروم کردن آن‌ها از محبت و ابراز هیجانانگیز نادرست در مقابل شکست آنان پاسخ می‌دهند، موجب شرم در آن‌ها می‌شوند (۱۲). شیوه والدین بی‌توجه، آرام‌بودن و توجه نکردن یا در شرایطی تأثیرگذار، دعوت کودک به آرامش است. والدین ردکننده هیچ‌گونه ابراز هیجانی ندارند و آن را نشانه ضعف می‌دانند. والدین تأییدگر فرزندان را به طور نامشروط می‌پذیرند و دوست دارند و ابراز هیجانانگیزشان را تشویق می‌کنند. والدین هدایتگر با فرزندان همدلی دارند و احساسات و عواطفشان را با آن‌ها تقسیم می‌کنند (۹). علاوه بر این در تبیین نتایج می‌توان بیان کرد، والدینی که هدایتگری هیجانی دارند، در زمینه آموزش هیجانانگیز اخلاقی، از مداخله، دستورهای مستقیم و صحبت کردن با فرزندان درباره هیجانانگیز

خصوص پژوهش بیشتری یافت نشد. نتیجه به دست آمده را می توان براساس نتایج مطالعه امیری این گونه تبیین کرد، آن دسته از دانش آموزانی که از خطای رفتاری خود راضی و خوشحال هستند شرم ندارند، ولی گناه دارند؛ به طور کلی زمانی که در فرد خطای رفتاری روی می دهد، فرد دچار گناه می شود و تلاش می کند آن وضعیت را جبران کند؛ اما زمانی که شرم در افراد به وجود می آید، ناراحتی و احساس بی کفایتی به حدی زیاد می شود که گاهی ممکن است فرد احساس کند توان جبران آن را ندارد و دچار اضطراب و خودسرنشی می شود. پورشهریاری نیز بیان کرد، شرم فرد را دچار احساس بی کفایتی، بدبودن و حقارت به دیگران می کند (۶).

براساس نتایج پژوهش حاضر، اسناد هیجانی منفی با هیجان اخلاقی شرم و نیز با هیجان اخلاقی گناه رابطه مثبت و معنادار داشت. آن دسته از دانش آموزانی که از خطای رفتاری خود ناراضی بودند، شرم و گناه را تجربه کردند و از کار خود پشیمان بودند. براساس پژوهشی، کودکان ۵ تا ۸ ساله نیز اسناد هیجانی اخلاقی منفی بیشتری در مقایسه با سناریوهایی داشتند که در آن قربانی فردی جوان بود (۱۷). اکثر والدین به دلیل آموخته های دینی و سنتی، با هر سبک فراهیجانی، در مقابل خطای رفتاری فرزندان، تا حدودی شرم و گناه را در فرزندان به وجود می آورند. باتوجه به این موضوع، فرد با ادراک هر خطای رفتاری دچار گناه و شرمندگی می شود (۹). این بحث در پژوهش حاضر در بین دانش آموزان به وضوح دیده شد.

در خصوص نقش واسطه های اسناد هیجانی نتایج بیانگر آن بود که اسناد هیجانی مثبت بین هدایت گری و آگاهی هیجانی با شرم و گناه توانست نقش میانجی ایفا کند. در خصوص نقش واسطه های سبک های اسنادی در رابطه بین سبک های فراهیجانی والدین و هیجان اخلاقی شرم و گناه تاکنون پژوهشی صورت نگرفته و پژوهش حاضر در این راستا پیشگام است؛ اما همان گونه که در قسمت های قبل مشاهده شد، پژوهش های پیشین بیانگر وجود ارتباط بین سبک های فراهیجانی والدین (۱۰، ۱۲، ۱۵) و اسناد هیجانی (۶، ۱۷، ۱۸) با شرم و گناه است. خشنودی از عمل خطا در دانش آموزان دوره نوجوانی باتوجه به ویژگی های رشدی و هیجان پذیر بودنشان می تواند در آن ها وجود داشته باشد؛ اما باتوجه به الگوبرداری از والدین، ندامت و پشیمانی در آن ها شرم و گناه به وجود می آورد (۱). همچنین براساس نتایج پژوهش حاضر، اسناد هیجانی منفی بین هدایت گری هیجانی با هیجان شرم و گناه و بین بُعد آگاهی هیجانی با هیجان شرم نقش واسطه ای داشت. نتیجه به دست آمده را می توان براساس نتایج مطالعات کوچانسکا این گونه تبیین کرد که والدین هدایت گر گناه را در فرزندان افزایش می دهند. از طرفی فرزندان با احساس ناراضی از خطای رفتاری خود، باعث تشدید این هیجان می شوند و در آن ها احساس بی کفایتی و بدبودن به وجود می آید و این احساس می تواند در رفتار فرد و همچنین ارتباطات وی تأثیر منفی بگذارد. فرزندان با آگاهی، شناخت و ابراز درست هیجان قادر هستند رفتار مناسب تر و ارتباطات اجتماعی بهتری داشته باشند (۱۴). تحقیقات نشان می دهد، هیجان اجتماعی غیرحمایتی والدین پیش بینی کننده مثبت و معناداری برای شرم در فرزندان است (۹).

پژوهش حاضر با محدودیت هایی همراه بود؛ این پژوهش از نوع همبستگی بود و لازم است استنباط علی از نتایج آن، با احتیاط صورت گیرد. علاوه بر این باتوجه به تحقیقات بسیار کمی که در این زمینه انجام گرفته است، امکان اندکی برای دسترسی مناسب به منابع جدید و مقایسه یافته ها به ویژه درباره متغیر واسطه ای پژوهش حاضر وجود داشت. باتوجه به نتایج این پژوهش که اهمیت سبک های فراهیجانی والدین را در سبک های اسناد اخلاقی فرزندان و به تبع آن ادراک آنان از هیجان اخلاقی شرم و گناه روشن کرد، پیشنهاد می شود برنامه ریزان حوزه سلامت در دوره نوجوانی، برای کنار آمدن بهتر نوجوانان با هیجان های اخلاقی مذکور، کارگاه های آموزشی برای والدین و نوجوانان طراحی کنند.

## ۵ نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که سبک های فراهیجانی والدین بر هیجان اخلاقی خود آگاه (شرم و گناه) فرزندان به طور معناداری تأثیر مستقیم دارد و در نتیجه می تواند جهت دهنده بسیاری از رفتارهای آن ها باشد. همچنین اسناد هیجانی مثبت بین سبک های فراهیجانی والدین (هدایت گری هیجانی و آگاهی هیجانی) با هیجان شرم و گناه نوجوانان و همچنین اسناد هیجانی منفی بین بُعد هدایت گری هیجانی والدین با هیجان شرم و گناه نوجوانان و نیز بین بُعد آگاهی هیجانی با هیجان شرم نوجوانان، نقش واسطه ای دارد.

## ۶ تشکر و قدردانی

نویسندگان از تمامی دانش آموزان پایه های دهم و یازدهم دبیرستان های نواحی چهارگانه آموزش و پرورش شیراز و همچنین از والدین این دانش آموزان که در پژوهش شرکت کردند، تشکر و قدردانی می کنند.

## ۷ بیانیه ها

تاییدیه اخلاقی و رضایت نامه از شرکت کنندگان

این مقاله برگرفته از رساله دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت مصوب در شورای پژوهشی شماره ۳۱۶ دانشگاه مورخ ۳۰ مهر ۱۳۹۶ است. همچنین مجوز اجرای این پژوهش بر گروه مطالعه شده از اداره کل آموزش و پرورش استان فارس با شماره نامه ۳۹۸/۱۲/ت مورخ ۱۰ بهمن ۱۳۹۶ صادر شده است.

رضایت برای انتشار

این امر غیر قابل اجرا است.

در دسترس بودن داده ها و مواد

داده ها بدون نام شرکت کنندگان در اختیار تمام نویسندگان مقاله است و در صورتی که شخصی نیاز به دسترسی به داده ها داشته باشد، می تواند با نویسنده مسئول مکاتبه کند.

تضاد منافع

نویسندگان اظهار می دارند هیچ گونه تعارض منافی ندارند.

منابع مالی

تمامی منابع مالی اجرای پژوهش توسط نویسنده اول مقاله تأمین شده است.

## References

1. Maasoumi N, Karbasi M, Vakilian M. Rabeteye sabk haye esnadi ba pishraft tahsili dar danesh amoozan sal sevom doreye motavasete aval shahre Hamedan [The relationship between attributional styles and academic achievement in third grade high school students in Hamadan]. *Journal of Psychological Research*. 2015;22(6):55–70. [Persian]
2. Haidt J. Elevation and the positive psychology of morality. In: Keyes CLM, Haidt J; editors. *Flourishing: Positive psychology and the life well-lived*. Washington: American Psychological Association; 2003. pp: 275–89. <https://doi.org/10.1037/10594-012>
3. Emde RN, Oppenheim D. Shame, guilt, and the oedipal drama, developmental considerations concerning morality and the referencing of critical others. In: Tangney JP, Fischer KW; editors. *Self-conscious emotions: the psychology of shame, guilt, embarrassment, and pride*. New York: The Guilford Press; 1995. pp: 413–38.
4. Tangney JP. Shame and guilt. In: Levinson D .editor. *Encyclopedia of crime and punishment*. California: SAGE Publications, Inc; 2002. <https://doi.org/10.4135/9781412950664.n388>
5. Tangney JP, Miller RS, Flicker L, Barlow DH. Are shame, guilt, and embarrassment distinct emotions? *J Pers Soc Psychol*. 1996;70(6):1256–69. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.70.6.1256>
6. Pourshahriari M. Barrasiye rabetey sharm ba ab'aad khashm va moghayese aan dar daneshjooyan daneshgah haye Tehran [The relation of shame with the aspects of anger in college students in Tehran]. *Journal of Psychological Studies*. 2010;5(3):27–46. [Persian]
7. Etemaad J, Jowkar B, Rahpeima S. Prediction happiness depend on shame and guilt: verification the moderator role of sex. *Journal of Psychological Studies*. 2015;11(2):67–86. [Persian] [https://psychstudies.alzahra.ac.ir/article\\_1953.html?lang=en](https://psychstudies.alzahra.ac.ir/article_1953.html?lang=en)
8. Gottman JM, Katz LF, Hooven C. *Meta emotion: how families communicate emotionally*. Lawrence Erlbaum Associates Inc; 1997.
9. Parsai E. Rabeteye sabk haye farahayajani valedeyn ba khodkaramadi va hoosh aatefi danesh amoozan doreye motavasete [The relationship between meta-exciting parental styles and self-efficacy and emotional intelligence of high school students]. *Journal of Educational Psychology Studies*. 2010;7(11):1–26. [Persian] [https://jeps.usb.ac.ir/article\\_721.html?lang=en](https://jeps.usb.ac.ir/article_721.html?lang=en)
10. Sheykhoh Eslami R, Torkaman Malayeri M. Tabyeen elli rafter jame pasand nojavanan bar asas falsafe fara hayajani madar va hayajanat akhlaghi [A causal explanation of adolescents' prosocial behavior based on mother's meta-emotion philosophy and moral emotions]. *Social Psychology Research*. 2018;7(28):1–22. [Persian]
11. Roshan Chesli R, Atrifard M, Noori Moghadam S. Barrasiye etebar va payaee sevomin noskhe tajdidi nazar shode meghyas atefe khod agahi baraye bozorgsalan [Validity and reliability of the third revised version of the Self-Awareness Affect Scale for adults]. *Scientific-Research (Ministry of Science)*. 2007;25:31–46. [Persian]
12. Parisette-Sparks A, Bufferd SJ, Klein DN. Parental predictors of children's shame and guilt at age 6 in a multimethod, longitudinal study. *J Clin Child Adolesc Psychol*. 2017;46(5):721–31. <https://doi.org/10.1080/15374416.2015.1063430>
13. Leong EL, Malikin H, Montreuil TC. Parent emotion socialization and childhood experience of shame and guilt. In: *Annual National Association of School Psychologists (NASP) Convention* [Internet]. Atlanta, GA; 2019.
14. Kochanska G. Socialization and temperament in the development of guilt and conscience. *Child Dev*. 1991;62(6):1379–92.
15. Dos Santos MA, De Freitas e Castro JM, De Freitas Lino Pinto Cardoso CS. The moral emotions of guilt and shame in children: relationship with parenting and temperament. *J Child Fam Stud*. 2020;29(10):2759–69. <https://doi.org/10.1007/s10826-020-01766-6>
16. Hooven C, Gottman JM, Katz LF. Parental meta-emotion structure predicts family and child outcomes. *Cogn Emot*. 1995;9(2–3):229–64. <https://doi.org/10.1080/02699939508409010>
17. Abbasi N, Hosseini FS, Golestane SM. The role of attribution styles in self-conscious emotions of shame and guilt for elementary schools' students. *Studies in Learning & Instruction*. 2017;8(2):1–20. [Persian]
18. Hasegawa M. Developing moral emotion attributions in happy victimizer task: role of victim information: developing moral emotion attributions. *Jpn Psychol Res*. 2018;60(1):38–46. <https://doi.org/10.1111/jpr.12179>
19. Amiri Sh. Moral emotional attribution and its stability in young adolescents. *Journal of Psychology*. 2012;61:84–101. [Persian]
20. Kline RB. *Principles and Practice of Structural Equation Modeling*. Third edition. New York: The Guilford Press; 2010.
21. Parsai E, Foulad Chang M. Barrasi ravayi va payayiyeh meqyase didgahe farahayajaniye valedeyn dar Iran [Examining the validity and reliability of parents' meta-emotional perspective scale in Iran]. In: *The First National Student Conference on Social Factors Affecting Health, Tehran* [Internet]; 2010. [Persian] <https://civilica.com/doc/95106/>
22. Tangney JP, Dearing RL, Wagner PE, Gramzow R. *Test of Self-Conscious Affect–3 (TOSCA-3)*. Fairfax, VA: George Mason University; 2000.